

باید دانست که مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی ایران و مواد مشابه آن در قانون فرانسه و سایر قوانین بصورت حکم قانونی وضع شده اند و حق نیستند تا قابل اسقاط باشند بنابراین شرط مخالف آنها در ضمن عقد نیز باطل و بلا اثر است اما برعکس در حقوق انگلستان از قرن هفدهم رویه قضائی عجیبی باقی مانده که به رویه « قاعده قراردادهای مطلق » مشهور است و مطابق آن « اگر متعهد با تعهد مطلق خود را ملزم با انجام دادن قرارداد سازد بهیچوجه حتی بوسیله اثبات قوه قاهره نمیتواند از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند »

علت وضع این قاعده خشن بقول دوتن از استادان و دانشمندان حقوق انگلستان بنام های چشایر ( Cheshire ) و فیفوت ( Fifoot ) آنستکه : هر يك از طرفین در قرارداد خود کاملاً آزاد و مختار است و همیشه میتواند حدود و قایع غیر مترقبه ای را که مانع انجام دادن تعهد او بشوند پیش بینی کند و با وجود این اگر بدون قید و شرط التزام مطلق را بعهده گرفته در صورت پیش آمد موانع نباید سله و شکایت را سردهد زیرا خود کرده را چاره نیست »

دکتر عبدالمجید مجیدی

## بزهکاری خردسالان

یکی از میوه های تلخ اجتماعات کنونی بشری بزهکاری خردسالانی است که هنوز وارد جامعه و زندگی اجتماعی نشده ، در اثر تربیت غلط ، بی سرپرستی و بالاخره فقر بانواع فساد و کثافت آلوده میشوند . وغالباً زندگیشان برای همیشه تباه میگردد . زیرا یکبار که مرتکب جرمی شده و وارد زندان گردیدند ، بعلت خرابی وضع تربیتی زندانها و دارالتأدیب ها و نبودن روش صحیح تربیتی و اصلاحی ، فاسد تر شده و دوسرتبه وارد محیط اجتماعی و شرایط مناسبی برای انجام جنایات و بزههای جدید میگرددند . بدین ترتیب نهالهای جوانی که میتوانند ثمرات پر قیمتی برای بشریت ببار آورند تبدیل به طفلیهای مضر اجتماعی یعنی معتادین بجرم میشوند .

در مقابل بزهکاری خردسالان ، جامعه بیش از مورد جنایت کاری کلان سالان دارای مسئولیت میباشد . زیرا شرایط اجتماعی در ساختمان روحی طفل و طرز تفکر و بالاخره اعمال او تأثیر بیشتری دارد . لذا با جرئت میتوان گفت که مسئول بزهکاری

## برهکاری خردسالان

اطفال و جوانان نارس جامعه میباشد و بس پس بر جامعه و قدرت اجتماعی است که برای نجات خردسالان از این پرتگاه و حفظ و حمایت آنان اقدام نماید :

مسئله برهکاری خردسالان در اواخر قرن نوزدهم و قرن حاضر اهمیت بسزائی کسب کرده و توجه بشر دوستان را بخود جلب نموده است . زیرا با مراجعه باساری که در دست میباشد در اینمدت برهکاری خردسالان به نسبتی فاحش بیش از برهکاری کلان سالان ترقی نموده است . در این دوره نویسندگان دنیای غرب آثار برجسته ای بمنظور افشاء این عیب بزرگ اجتماعی تألیف نموده اند .

از جمله اثر معروف فرانسوا کوپه ( François Coppé ) بنام مجرم ( Le Coupable ) را میتوان نام برد . این کتاب سرسلسله تألیفاتی است که معایب و مضار زندانها و تبعیدگاههای خردسالان را تشریح نموده است . امروزه نیز نویسندگان روزنامه نگاران و سینه آنها ( Cinéaste ) مقصود کسانیست که وارد حرفه سینما هستند از این موضوع که هنوز میتواند احساسات مردم را تهییج نماید استفاده نموده و آثار جالبی بوجود میآورند . و انصافاً بایستی گفت که تاکنون در این زمینه نقش عمده ئی را بازی کرده و در مبارزه علیه این خطر اجتماعی شرکت ذیقیمتی نموده اند .

### اهمیت موضوع :

اهمیت موضوع برهکاری خردسالان چه از لحاظ فنی و چه از لحاظ اجتماعی غیر قابل انکار میباشد . از نظر فنی و عملی مسئله جنایتکاری اطفال و جوانان نارس مهمترین مسئله جرم شناسی است که میتواند مورد بحث قرار گیرد . زیرا اگر این مشکل بخوبی حل و برای این انحراف خطرناک راه چاره ئی پیدا شود اغلب مسائل مربوط به برهکاری بزرگسالان نیز سهل و ساده میگردد . زیرا اغلب مرتکبین تکرار جرم ، که مشتریان زندانها را تشکیل میدهند ، کسانی هستند که از اول طفولیت بععلل مختلفه آلوده به برهکاری شده و کم کم دارای تمایلات ضد اجتماعی گردیده اند . چه بسا دیده شده است که برهکاران جوان برای تکرار جرم منتظر سنین کلان سالی نشده و از همان ابتداء جوانی معتاد بجرم شده اند . مثلاً اگر به آمار زندانهای فرانسه رجوع کنیم می بینیم که در سال ۱۹۲۴ . چهل و شش درصد از پسران و بیست درصد از دخترانی که موقتاً از دارالتادیب ها آزاد شده بودند از این ارفاق محروم و دوبرتبه بعلت تکرار جرم بازداشت گردیده اند . پس تمایل به تکرار جرم در خردسالان نیز مانند کلان سالان وجود دارد . لذا اگر در همان سنین خردسالی تمایل بارتکاب جرم در طفل کشته شود دیگر در بزرگی دست به برهکاری نخواهد زد . بدین ترتیب مبارزه بابرهکاری خردسالان در حقیقت مبارزه باجنایت کاری بزرگسالان میباشد :

از نظر اجتماعی نیز این مسئله دارای اهمیتی بسزاست زیرا طبق آمار کشورهای اروپائی توالد و تناسل در تنزل ولی جنایتکاری در ترقی میباشد . و علت آن اینست که در خانواده هائی که مرفه هستند و میتوانند وسائل تعلیم و تربیت فرزندان خود را فراهم

## بزهکاری خردسالان

آوردن این تمایل پیداشده که اولاد کمتری پیدا نمایند. برعکس خانواده هائی که فقیرند و فرزندانشان در معرض خطر جنایتکاری میباشند ، اولاد بیشتری داشته و دائم در تکثیر هستند . نتیجه اینکه روز بروز بر تعداد جنایتکاران افزوده میگردد . پس از بین بردن بزهکاری خردسالان نمیتواند از سیاست حمایت خانواده جدا باشد . یعنی طبعاً حمایت از خانواده منجر به کاهش بزهکاری اطفال خواهد شد. لذا در اینجا مسئله مهمترو اجتماعی تری مطرح میگردد و آن نظارت بر خانواده ها و حمایت از آن برای تأمین آموزش و پرورش کودکان میباشد .

### جنبه کمکی و کیفی موضوع :

از لحاظ کمی اگر بآمار کشور های مختلف رجوع نمایم می بینیم که میزان بزهکاری خردسالان در همه کشورها یکسان نبوده و متفاوت میباشد . در یک کشور نیز بیک میزان تقسیم نشده است ، بلکه در مراکز پرجمعیت نسبت این قبیل بزهکاری ها زیادتر میباشد . آنچه مسلم است اینست که در غالب کشورها میزان خردسالان زیاد و قابل توجه بوده و هر سال نیز نسبت بسال قبل درتزايد میباشد . این تزايد در سالهای پس از جنگ بخصوص و بطور محسوس مشخص است .

### از لحاظ کیفی نیز بزهکاری خردسالان را میتوان بطریق زیر

محدود نمود .

اولاً - خردسالان معمولاً مرتکب بزهائی میشوند که دارای اهمیت زیاد نیست مانند چنجه دزدی ساده که قسمت اعظم این بزهها را تشکیل میدهد ، در صورتی که نسبت بجنایات بسیار کم میباشد :

ثانیاً - بزهکاری خردسالان در آن قسمت از شهر توسعه و تزايد مییابد که کمتر از جاهای دیگر بدان توجه میشود ، یعنی اطفالی که در مرحله های کارگری و پرجمعیت زیست میکنند بیش از اطفال نقاط مرغوب و اعیان نشین شهر در معرض این خطر میباشند .

### علل بزهکاری خردسالان :

اگر علل بزهکاری خردسالان را مطالعه کنیم می بینیم که بیش از علل جسمانی که مربوط به شخص مجرم میباشد ، علل اجتماعی در شیوع آن مؤثر است . زیرا شرایط نامساعد اجتماعی اساس آن فقر و عدم حمایت اطفال است که خردسالان را به بزهکاری آلوده میسازد . لیکن علل جسمانی نیز در جای خود خالی از تأثیر نیست .

### ۱ - علل اجتماعی :

در کشوری مثل ایران که از لحاظ داشتن آمار های صحیح برای امور مختلفه بسیار فقیر میباشد نمیتوان برای پیدانمودن علل اجتماعی بزهکاری خردسالان با رقام دقیق تکیه نمود . ناچار بایستی از آمار سایر کشورها استفاده کرده ، آنها را در مورد کشور خود نیز کم و بیش صادق و قابل مقایسه دانست .

دکتر هویه (Heuyer) در کتاب خود بنام بررسی بزهکاری خردسالان (Enquête sur la délinquance Juvénile (Paris-1942) پس از مطالعه کافی در این قبیل بزهکاری روی چهارصد مورد در کشور فرانسه حقایق زیر را کشف نمود.

الف) فقط دوازده درصد از خانواده ها بطور عادی تشکیل شده اند. (این علت در مورد ایران مؤثر نیست زیرا تقریباً تمام خانواده ها بطرز عادی تشکیل میشوند) ،

ب) در ۱۷۳ درصد کودک مجرم طفل منحصر بفرد میباشد ، در حالیکه به نسبت ۲۳ درصد کودک بزهکار بخانواده هائی تعلق دارد که افراد آن زیاد میباشد .

ج) در ۶۵۲ درصد از اطفال ، خواه بعلت غفلت ابوین ، خواه بدین سبب که پدر و مادر هر دو تمام مدت روز در خارج از منزل کار میکنند مواظبت کافی بعمل نیاید

( د ) در ۵۰ درصد از موارد محیط زندگی طفل ناسالم است ؛

( ه ) در ۲۰ درصد از موارد اطفال مجرم نامشروع هستند ؛

( و ) در ۲۱۳ درصد از موارد پدر و مادر مجرم گرفتاری بیکاری هستند ،

( ز ) در ۱۲ درصد از موارد خانواده هائی که اطفال بزهکاران ها تعلق دارند در خانه های خراب و بیغوله وزاغه ها زندگی میکنند ؛

( ح ) در پنجاه درصد از موارد اطفال بطور غیر منظم بمدرسه رفته اند ؛

پس بطوری که ملاحظه میشود ، تقریباً در تمام موارد علت اجتماعی گمراهی و تباهی اطفال فقر و فقدان تعلیم و تربیت میباشد که آنهم خود نتیجه فقر و نبودن سازمان صحیح برای کار است ؛ خواه در اثر زندگی در شرایط نامناسب ؛ خواه بعلت نداشتن سرپرست ، ( چون کارمند روزانه پدر و مادر فرصت رسیدگی باطفالشان را نمیدهد ) خواه به سبب اینکه پدر و مادر بعلت بیکاری وسیله معیشت ندارند و اطفال مجبورند که بهر طریق شده ، مثلاً با دزدی ، ممر معاشی برای خود و حتی برای پدر و مادر خود پیدا نمایند . بالاخره فساد اخلاق پدر و مادر نیز باعث میشود که کودک فاسد شده و در اثر عدم سرپرستی درست و کافی بمدرسه نرفته ، بمحیط های کثیف وارد شده و به جنایتکاری کشانده شوند .

دلیل صحت این مدعا اینست که چون جنگها و بحرانهای اقتصادی جبراً منجر بضعیف شدن بنیه و قدرت اقتصادی ملتها میگرددند همیشه دارای عواقب سوئی از لحاظ شیوع فساد بزهکاری بوده اند . مثلاً پس از جنگ جهانی اخیر در غالب کشورهای آسیب دیده مثل فرانسه ، ایتالیا و آلمان بعلت شدت فقر ، پائین آمدن قدرت خرید مردم و بالارفتن سطح احتیاجات ، میزان جنایتکاری خصوصاً در نزد اطفال ترقی فاحشی کرد . دزدی قاچاقچی گری و قحشائی که پس از این جنگ در نزد خردسالان دیده شد در تاریخ بشریت بی سابقه میباشد :

### علل جسمانی

علل جسمانی هیچوقت نمیتواند مستقیماً موجب بزهکاری طفل گردد . بلکه بواسطه ضعف روحی ، عیوب اخلاقی و بالاخره نقصان نیروی ادراک که ایجاد می کند بزهکاری خردسالان را تسهیل مینماید .

از میان این علل آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد عوامل موروثی از قبیل عواقب اعتیاد بالکل ، سفلیس ، اختلالات اخلاقی ، کج خلقی ، و بالاخره ضعف قوای عقلانی میباشد . در این موارد کودکان قربانی عیوب پدران و مادران خویش گردیده اند در پنجاه درصد از موارد نیز شرایط ابتدائی و سوابق کودک در بزهکاری او مؤثر میباشد . در حال این علل جسمانی مانع رشد کافی نیروی دماغی و قوه ادراک کودک میگردد بعلت تضعیف روحی او قدرت مقاومت وی را در مقابل ناسازگاری ها کم کرده ، کودک را بطرف بزهکاری سوق میدهد .

### برخورد با مسئله بزهکاری خردسالان :

#### از لحاظ جزائی

از نقطه نظر جزائی این امر مسلم است که مسئولیت یک خردسال نمیتواند با مسئولیت یک انسان کامل یکسان باشد . با استفاده از تجربیات سایر ملل میتوان این نتیجه را گرفت که اکثر قریب بتمام خردسالان مجرم در اثر عدم تشخیص دست بارتکاب جرم میزنند لذا در حقوق جزا بایستی از مقررات خاصی بهره مند شوند . قوانین کیفری هر کشور باید بادر نظر گرفتن شرایط خاص آن کشور سن معینی را برای حد صغر و کبر جزائی ، یا بعبارت دیگر عدم تشخیص و تشخیص جزائی تعیین نموده و برای خردسالان رژیم کیفری مخصوصی معین نماید . زیرا تحمیل مجازات بخردسالان بهیچوجه جائز نبوده و نمیتواند برای آنان مشمر ثمری باشد . بلکه باید در باره مجرمین خردسال روشهای تربیتی و اصلاحی خاص تجویز گردد که در واقع آنان را از سقوط نجات دهد .

#### از لحاظ قضائی :

نظر باینکه روحیات و خصوصیات خردسالان با بزرگ سالان متفاوت میباشد ، لذا از لحاظ آئین دادرسی بایستی برای خردسالان سازمان و روش قضائی خاصی ایجاد شود تا با حسن طرق منافع آنان حفظ و مانع تضییع آینده شان گردد . برای تأمین این منظور چاره ای که در بعضی از کشورها مانند فرانسه و ایتالیا پیدا کرده اند بسیار نافع میباشد . بدین ترتیب که رسیدگی بجرائم بر تکیه بوسیله خردسالان در صلاحیت قاضی اطفال و دادگاه اطفال میباشد . یعنی قضائی با اطفال سروکار دارند که بارو حیات و خصوصیات آنان آشنائی کامل داشته و در حرفه خود دارای تخصص میباشد . لذا در تصمیمی که اتخاذ مینمایند از هر حیث رعایت منافع و شخصیت کودک را نموده ، حتی الامکان سعی مینمایند که این تصمیم بآتیه کودک لطمه ای نزند :

## برهکاری خردسالان

بعضی از اصلاح طلبان از اینهم جلوتر رفته و مخالف با هر نوع دخالت سازمان قضائی در امور مربوط به خرد سالان میباشند و معتقدند که بجای سازمان قضائی یک شورای حمایت اطفال جانشین گردد و صلاحیت اجرای حکم کیفری نیز از وزارت دادگستری سلب و بوزارت بهداری یا فرهنگ ارجاع شود. ولی عیبی که چنین حکم کیفری خواهد داشت اینست که دیگر باعث عبرت سایرین نخواهد شد.

### از لحاظ اجتماعی :

برای مبارزه با برهکاری خردسالان از لحاظ اجتماعی بایستی :

سازمانها و مؤسساتی ایجاد نمود که بکمک خرد سالان مجرم و همچنین تمام اطفالی که از لحاظ اخلاقی و تربیتی رها شده و بدون سرپرست هستند آمده و حداکثر سعی و همت را برای راهنمایی آنان بنمایند :

تعلیمات اجباری را عملی نموده و تمام کودکان را ملزم بر رفتن بمدرسه کرد . تا بدینوسیله تاحدی از ولگردی کودکان جلوگیری بعمل آید . زیرا تقریباً مقدمه کلیه برهکاری های خردسالان ولگردی میباشد :

برای از بین بردن مساکن غیر بهداشتی ، از قبیل بیغوله ها و زاغه ها و خانه های تنگ و ناراحت ، و ساختن خانه های ارزان قیمت مطابق اصول بهداشتی اقدام بعمل آید . چون در این مساکن غیر بهداشتی باندازه کافی هوا نبوده در نتیجه اطفال جسماً مریض و بعلت زندگی درهم و تنگ خانواده روحاً زود فاسد میگردند . همچنین بعلت ناراحت بودن وضع منزل ، کودک بیخانه و آشیانه خود بیعلاقه و از آن فراری شده ، طبعاً دچار ولگردی و معاشرت های سوء میگردد :

کار را طوری منظم کرد که مادران از مدتی قبل و مدتی بعد از زایمان کار نکنند تا طفل جسماً لطمه ای نبیند .

بر خانواده نظارت نمود تا در صورتیکه ابوبین طفل دارای لیاقت و شایستگی پرورش کودک نبودند ، کودک را بمؤسسات مخصوص کمک و یاخیریه سپرد و تا در محیط ناسالم خانواده فاسد نشود : ( درسوئیس و آلمان برای ایتکار سازمان مرتبی ایجاد شده است.)

یک مسئله دیگر که هنوز برای ایران پیش نیامده و یا هنوز احساس نگردیده است تأثیر بدی است که فیلمهای قتل و جنایت و دزدی و همچنین روزنامه های خبری که هر روز برای جلب مشتری بیشتر با حروف برجسته شاهکار های دزدان و آدمکشان و بالاخره جنایتکاران را باب و تاب فراوان شرح میدهند ، در روح اطفال دارد .

و در واقع بهترین مربی جنایتکاری برای آنان محسوب میشوند . این امر امروز شدیداً مبتلا به کشورهای اروپائی است . مقامات مسئول ما از هم اکنون باید در مقام چاره جوئی برآمده و مانع این طریق شیوع جنایتکاری شوند .

### از لحاظ علمی :

پیشرفتهای عظیمی که در علم روانشناسی و علوم تربیتی حاصل گردیده امید اصلاح خردسالان را خیلی زیاد نموده است . امروز شناختن شخصیت جسمی و روانشناسی کودک نهایت لزوم را دارد و قبل از اتخاذ تصمیمی در مورد کودک مجرم بایستی از وی یک آزمایش کامل طبی و روحی بعمل آید و پس از یک دوره مطالعه در روحیات او که در حقیقت یک دوره تجربه‌ای محسوب میگردد ، تشخیص داد که چه روش تربیتی و اصلاحی در باره او مفید خواهد بود . در کلیه کشورهای مترقی جهان مؤسسات مخصوصی باین منظور اختصاص داده شده است . همچنین در مؤسسات دیگری که وجود دارد با آزمایشهای گوناگون تشخیص میدهند که کودک استعداد و ذوق چه شغلی را دارا است بدین طریق بهترین وجه باو حرفه‌ای میآموزند که در آینده بطرز شرافتمندانه‌ای بتواند زندگی نماید :

### از لحاظ اداری :

این مؤسسات مخصوص ، چه دارالتادیب ، چه مؤسسات کمکی خیریه ، علمی و تربیتی بایستی بهترین و کاملترین وجه اداره شوند تا منظور مورد نیت از آن حاصل گردد . البته برای انجام مقاصد فوق بودجه کافی لازم میباشد ؛ ولی بگردن دولتهاست که برای نجات عده‌ای از ساکنین کشور از این بدبختی عظیم حداکثر کوشش و فداکاری را بنمایند .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

